

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

ایدئولوژیک

۲۴ سپتمبر ۲۰۱۰

یادداشت پورتال:

از همکار گرانقدر، جناب نیک محمد "وصال"، امتنان داریم که بعد از مدتی غیابت، باز یاد پورتال خود کرده و مطلبی نغز را خدمت هواخواهان افکار عرفانی، عرضه فرموده اند. موفق و سرفراز باشند. با محبت‌های فراوان

اداره پورتال AA-AA

از کتاب: "جنات الوصال"
فرستنده: نیک محمد وصال

با عرض سلام مجدد خدمت دست اندر کاران سایت وزین "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان!"
مثنوی نغز از کتاب "جنات الوصال" خدمت علاقه مندان آن از طریق سایت "آزاد- آزاد" تقدیم است.
امید است تا آن را بدست نشر بسپارید.

والسلام

تیشه فکر و ذکر

تیشه و حداد را پیدا کنم
چشمه‌های آبخورد اتقیبا
فردۀ کالای عرفان واکنم
در بساط سعی گردم نغمه ساز
کوره‌ها فروزمت از امتحان
سیم و زر سازم ز ارزیز و رصاص
با حدید سعی حدادی کنم
ریزم استادانه طرح تیشه ای
دسته‌ها بنشانم از شمشاد ذکر
کوچه کوچه پا نهم تیشه فروش
رخنه‌ها جویم به هر کاشانه ای
رخ نمایم چون مصلاد در صلا
هر طرف صوت و صدائی سر کنم
از کواکب آرم افزون مشتری
جمله بنشانم به صدر مصطبه

گر خدا خواهد دکائی واکنم
تا کنم جاری ز تیشه چشمه‌ها
آمدم تا باز دکان واکنم
آمدم تا از نکات دلنواز
آمدم تا در صف ضرابیان
آمدم تا خالصت اندر خلاص
آمدم تا باز استادی کنم
آمدم تا هر دم از اندیشه ای
تیشه‌ها افشانم از فولاد فکر
دسته دسته تیشه‌ها بندم بدوش
حلقه‌ها کوبم در هر خانه ای
لب گشایم چون منادی در ندا
گه صلا گاهی ندائی سر کنم
زهرة را سازم به گردون مشتری
مستعدان را بقدر مرتبه

پس به سنگ عدل و میزان رشاد
هر یکی را داده بر کف تیشه ای
پشت کار تیشه کاریشان کنم
چشمه تقوا که آن سرچشمه است
گشته اندر وادی دلشان نهان
سنگلاخی کان بیابان کس ندید
غول کوه جهل و سنگش بچه‌ها
جمله را داغ نحوست بر جبین
تیشه داران چون دم شادی زنند
اربعینی با خلوص اعتقاد
دسته‌های تیشه بر کف صبح و شام
پیش بنشینند با زانوی سعی
چون براندازند با سعی گران
چشمه تقوا به صد جوش و خروش
و چه چشمه چشمه هر چشمه ای
چشمه‌ها هر یک از آن نهری بود
شهرها را نهرها جاری از آن
نهروهای شهرهای حکمتست
حکمت حق چون سر چشمه گشود
باورت گر نیست در قرآن ببین
گر نه تقوا چشمه هر چشمه است
چونکه تقوا را مراتب گشت هشت

تیشه بفروشم به نقد اعتقاد
بر بساط سعی بخشم پیشه ای
تیشه‌ها در پیشه کاریشان کنم
چشمه‌های جاری از هر چشمه است
در میان سنگلاخ بیکران
جز در آن غول بیابان کس ندید
سینه زن بر کوه جهلش بچه‌ها
بر جبین گرد شفاوتشان ببین
تیشه‌ها بر کوه آن وادی زنند
سر برآورده ز طوق انقیاد
در شکاف کوه بگذارند گام
پس بخیزانندش از بازوی سعی
از میان کوه گران را بر کران
از شکافی ناگهان آید بجوش
چشمه‌ها را چشمه اش سرچشمه ای
نهرها سرچشمه شهری بود
نهرها در شهرها ساری از آن
شهرهای شهرهای حکمتست
چشمه‌های حکمت از تقوی فزود
چشمه حکمت هدی للمتقین
پس به قرآن از چه رو سرچشمه است
چشمه‌های حکمت از وی هشت گشت